

تفسیر سوره کوثر (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

تفسیر سوره در سه مرحله

سوره کوثر را انشاءالله در سه مرحله پی میگیریم. در مرحله اول یک نکات کلی درباره این سوره عرض میکنیم و آن تفسیری که مفسران شیعه و سنی از این سوره ارائه کردند به اختصار عرض میکنیم. در مرحله دوم یک تدبیری در مفاد سوره خواهیم داشت. در واقع سوره را تفسیر می کنیم، صرفاً با تکیه بر قرائن درون متنی سوره و آیات مرتبط با این سوره در دیگر سوره های قرآن کریم و در مرحله سوم یک مروری و یک تأملی می کنیم در روایاتی که درباره سوره کوثر آمده خصوصاً درباره حقیقت کوثر.

مرحله اول

شناسه و موضوع محوری سوره

مستحضر هستید که موضوع محوری این سوره همان کوثر است. در واقع تفسیر این سوره در گرو تفسیر حقیقت کوثر هست و دو آیه دیگر در واقع با روشن شدن حقیقت کوثر روشن می شوند و در آنها نکته مهم و محوری نیست. اما در مرحله اول چند نکته را عرض بکنم اول اینکه این سوره مختصرترین سوره قرآن است با سه آیه. درباره محل نزول این سوره برخی گفته اند که این سوره مکی است و در مکه نازل شده است. برخی ها گفته اند در مدینه نازل شده و هر دو قول مستند است به برخی از روایاتی که به صحابه منتهی می شود. برخی ها هم گفته اند نه، این سوره دو بار نازل شده یکبار در مکه نازل شده یک بار در مدینه نازل شده است. اینکه ما سوره ای داشته باشیم در قرآن کریم که دو بار نازل شده باشد، درباره برخی از سوره ها انگشت شمار هستند. چنین ادعایی را برخی از مفسران داشتند؛ مثلاً گفته اند سوره حمد دو بار نازل شده، یک بار در آغاز بعثت در مکه نازل شده و یک بار هم در مدینه نازل شده است.

همین قول هم درباره سوره کوثر هست که یک بار در مکه نازل شده از طرف جبرئیل و یک بار هم در مدینه. اینها خیلی نکات مهم و تاثیرگذار در فهم ما از این سوره نیستند. عرض شد موضوع محوری این سوره اعطای

کوثر هست به پیامبر بزرگوار اسلام، انا اعطیناک الکوثر. این آیه در مقام امتنان است. در مقام منت گذاشتن بر پیامبر بزرگوار اسلام است که ما یک کار بزرگی در حق تو کردیم. یک نعمت عظیمی به تو داده ایم؛ چون کوثر هست.

به بیان دیگر یک فضیلت عظیمی به تو داده ایم و آن کوثر هست. از این سوره بر نمی آید از آیات دیگر که مرتبط هستند با این موضوع بر نمی آید که قرآن کریم درباره دیگر پیامبران هم چنین تعبیری داشته باشد که ما یک ویژگی خاصی به تو داده ایم، یک نعمت بزرگی به تو داده ایم که به دیگر انبیا نداده ایم.

یا دست کم به پیامبر اکرم نداده باشد. اما از سیاق این سوره یک اختصاص فهمیده می شود. انگار کوثر یکی از اختصاصات پیامبر بزرگوار اسلام هست. به روایاتی که هم درباره کوثر نازل شده ثابت شده، از طرف وجود مقدس حضرات معصومین که روایات هم خیلی زیادند. ما در مرحله سوم انشاءالله آنها را بررسی می کنیم. روایاتی زیادی داریم در این خصوص مثلاً چندتا روایات داریم که پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید: کوثر از اختصاصات من هست و خداوند متعال پیش از من به هیچ پیامبری کوثر نداده است. این یک نعمت و لطف عظیم پروردگار است که صرفاً درباره من جاری شده است و محقق شده است.

بررسی واژه کوثر

نکته بعد بررسی لغوی واژه کوثر است. کوثر از کثر است. به معنای زیاد، کثرت.

کوثر، مبالغه در کثرت را می رساند. کوثر یعنی خیلی زیاد، خیلی کثیر.

مرحوم طبرسی در تحلیل این واژه می فرماید که کوثر یعنی چیزی که کثرت و زیاد شأن اوست. انگار ذاتی اوست. ذات او کثرت دارد و زیاد است و گسترده هست؛ نه اینکه کثرت یک امر جانبی و عارضی باشد. اما اینکه کوثر مصداقاً چی هست؟ اهل لغت مصادیقی ذکر کرده اند؛ مثلاً گفتند خیر کثیر، مراد از کوثر خیر کثیر است یا نعمت کثیر است.

برخی از اهل لغت هم گفتند کوثر یعنی فرد بسیار بخشنده، یا یکی از مصادیق کوثر را غبار ذکر کردند، گرد و غبار را هم به خاطر کثرتی که دارد به این واژه می خوانند. اما مفسران درباره اینکه مراد از کوثر چیست و یا

حقیقت کوثر چه چیزی هست، حدود ۲۶ قول و نظریه در میان آوردند که من ۱۵ الی ۱۶ قول را گذرا نقل می‌کنم.

برخی از مفسران گفته اند، کوثر نحری است در بهشت، برخی گفته اند حوضی است در بهشت که مختص است به پیامبر بزرگوار اسلام، برخی گفته اند که کوثر نهر و حوضی است که در محشر هست، در زمین محشره نه در بهشت، برخی گفته اند این حوض کوثر در واقع نهری است نهر کوثر، حوض کوثر که از محشر شروع میشود و در بهشت در واقع جریان دارد در آنجا حضور دارد.

یعنی این نهر و یا این حوض هم در زمین محشر است و هم در خود بهشت هست. برخی از مفسران گفته اند که کوثر یعنی ذریه وجود مقدس پیامبر اکرم، برخی گفته اند مراد از کوثر وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها هست. برخی گفتند مراد از کوثر یعنی اصحاب پیامبر اکرم، برخی گفته اند یعنی علمای پیامبر اکرم، برخی گفتند مراد از کوثر قرآن است، برخی گفته اند مقام نبوت هست.

مثلا مرحوم شهید مطهری می‌فرمایند: مراد از کوثر همان وحی و نبوت هست ما به تو کوثر دادیم یعنی وحی و نبوت دادیم این تفسیری است که مرحوم شهید مطهری دارند. برخی گفتند نه؛ مراد از کوثر تسهیل شریعت اسلام است. اینکه شریعت اسلام شریعت سهل و سرح هست در آن تساهل هست، تسامح هست، اعتدال هست. مراد از کوثر یعنی آن سختگیری‌ها و آن دشواری‌هایی که در شرایع انبیا گذشته قرار دادیم، آن تحریم‌های سخت، آن واجبات سخت را دیگر در شریعت تو قرار ندادیم؛ پس کوثر به تو دادیم.

برخی گفته اند: مراد اسلام است، برخی گفته اند: مراد توحید است، برخی گفته اند: مراد علم و حکمت است، برخی گفته اند: فضایل پیامبر بزرگوار اسلام هست. کدام فضایل؟ فضایلی که در دیگر سوره‌ها ذکر شده است. مثلا فخر رازی از این قول جانب داری کرده است که ما به تو کوثر دادیم؛ یعنی فضایلی که در سوره‌های دیگر بیان کردیم یعنی: ما تو را نعمت هدایت دادیم، به تو نور دادیم، به تو عصمت دادیم، به تو علم داده ایم. همه فضایلی که در سوره‌های دیگر ذکر شده قرآن یکجا در این سوره بیان کرده و گفته که ما به تو کوثر دادیم؛ یعنی همانهایی که در گذشته یاد کرده ایم.

برخی ها گفته اند مراد از کوثر مقام محمود هست، برخی گفته اند نور قلب پیامبر اکرم هست، برخی گفته اند کوثر در اصل یعنی خیر کثیر، برخی هم گفته اند مراد از کوثر شفاعت است. انا اعطیناک الکوثر یعنی ما به تو مقام شفاعت عظمی دادیم، شفاعت کبری دادیم، همان شفاعت کبری ای که در جلسه قبل به مناسب بعثت وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام عرض شد که پیامبر بزرگوار اسلام شفاعت کلبه دارد، شفاعت کبری دارد.

و دیگر انبیا و اولیا شفاعت شان، شفاعت کبری نیست. مرحوم طبرسی موقعی که این ۱۵-۱۶ قول را ذکر می کند می فرماید همه اینها مراد هست. کوثر یعنی همه اینها، هر این ۱۶ مصداقی که مفسران ذکر کرده اند همه موارد مذکور مراد خداوند متعال هست. انا اعطیناک الکوثر یعنی ما به تو این ۱۶ مورد را دادیم این ۱۶ فضیلت و نعمت را دادیم.

مرحوم علامه طباطبایی می فرمایند که مراد از کوثر ذریه وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام هست که در راستان هم وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها هست.

مرحله دوم

خوب ما تا اینجا یک نکات کلی درباره سوره گفتیم ضمناً آشنا شدیم اجمالاً با دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت درباره مراد از کوثر یا حقیقت کوثر. در مرحله دوم عرض کردم یک تدبیری در واژگان و آیات این سوره بکنیم و آیاتی که در دیگر سوره ها می توانند مفسر این آیات باشند.

آیه اول؛ عظمت کوثر و اختصاص آن به پیامبر

آیه انا اعطیناک الکوثر بر چند نکته دلالت دارد. اول اینکه ما یک لطف و نعمت عظیم و بلند مرتبه به تو دادیم به این جهت که این اعطا کوثر را با آن تاکید کرده و با صیغه متکلم مع الغیر ذکر فرموده است. یعنی داریم: اَنَا اعطیناک الکوثر نفرمود اَنْی اعطیتک الکوثر من به تو کوثر دادم، فرمود ما به تو کوثر دادیم.

یعنی می خواهد عظمت کوثر را بیان بکند، بلند مرتبه بودن کوثر را بیان بکند.

نکته دیگر این هست که از این آیه و آیات دیگر استفاده می شود که این از اختصاصات پیامبر بزرگوار اسلام هست.

آیه دوم؛ دو تکلیف در قبال اعطای کوثر

نکته دیگر این هست که میفرماید چون ما به تو کوثر دادیم، دو تکلیف داری، یکی اینکه نماز را بر پا بداری یکی دیگر اینکه نحر بکنی، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرِ مراد از نحر چیست؟ بعداً خدمتتان عرض می کنیم که چه در واقع معنا و مراد از این وانحر اصل و مفسران چه گفتند.

آیه سوم؛ ارتباط کوثر با جاودانگی پیامبر

ان شائک هو الابر دلالت دارد که این اعطا کوثر یک ارتباطی با جاودانگی پیامبر بزرگوار اسلام دارد، یک ارتباطی با ابر نبودن پیامبر بزرگوار اسلام دارد. ما به تو کوثر دادیم، دشمنانت ابر هستند. کانه یک توهم ابر بودن، یک اعتقاد ابر بودن، یک شایعه ابر بودن در میان مسلمین و کافران و مشرکین و اعراب مطرح بوده و قرآن کریم دارد در اینجا آن را نهی می کند. می گوید با دادن کوثر به تو، ما دشمنان تو را ابر قرار دادیم.

مراد از کوثر

در این آیه سوم باید تمرکز بکنیم. با تمرکز بر این آیه سوم در واقع به نوعی ما میتوانیم به مراد خداوند متعال از کوثر نزدیک بشویم. مشرکان بعد از وفات پسران وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام مساله مقطوع النسل بودن پیامبر اکرم و ابر بودن پیامبر اکرم را بر زبان می رانند. با کنایه می گفتند ، با تمسخر می گفتند. روایاتی هم که در شان نزول سوره کوثر آمده این را تعیین می کند. روایاتی را هم مفسران شیعه نقل کرده اند و هم مفسران اهل سنت و محدثین نقل کرده اند که زمانی که حضرت قاسم و حضرت عبدالله فرزندان ذکور وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام از دنیا رفتند و پیامبر بزرگوار اسلام زمانی که از قبرستان بعد از مراسم تدفین آمدند، یکی از مشرکان که اسمش هم برخی ها گفته اند **عاص ابن وائل** بوده است، موقعی که پیامبر اکرم را می بیند از قبرستان می آید بیرون به همراهش با صدای بلند می گوید این فرد ابر هست؛ یعنی پیامبر اکرم ابر هست، فرزند ذکور ندارد، پس نسلش منقرض می شود. به همین خاطر این سوره نازل شد که **انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر، ان شائک هو الابر**.

از آیات قرآن و همچنین بررسی تاریخی به دست می آید که مسئله مقطوع النسل بودن شخص پیامبر بزرگوار اسلام فی نفسه برای مشرکان مهم نبوده و مشرکان از این شادی می کردند که این فرزندان ذکور پیامبر بزرگوار اسلام از دنیا رفتند، و می گفتند پیامبر اکرم مقطوع النسل و ابتر هستند، مقصودشان دین پیامبر اکرم بوده، نبوت پیامبر اکرم بوده است.

آنها معتقد بودند که اگر پیامبر بزرگوار اسلام فرزند پسر نداشته باشد، کسی نیست که بتواند راه پیامبر اکرم را ادامه دهد. کسی نیست که حکومت و سلطنت پیامبر اکرم را بعد از رحلت ایشان در واقع پایدار بدارد و ادامه بدهد. چرا؟

چون آنها نگاهشان به نبوت یک نگاه دنیوی بود و مادی انگارانه بود، آنها نبوت را از جنس سلطنت میدانستند. از جنس پادشاهی میدانستند. گفتند پیامبر اکرم آمده اند تا پادشاهی بکنند، و اگر فرزندان پسر داشته باشند و فرزندان پسرش باقی بمانند، خُب این پادشاهی را ادامه میدهند. این سلطنت را ادامه میدهند. اگر فرزند پسری نداشته باشد با رحلت پیامبر اکرم این پادشاهی از بین می رود، سلطنت از بین میرود و ما راحت می شویم.

این فهم را از نبوت و این نگاه انحرافی و دنیوی به نبوت را آیات دیگر قرآن کریم هم تایید میکند. در سوره طور ایه ۳۰ قرآن کریم میفرماید که **أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ**: آنها می گفتند پیامبر بزرگوار اسلام شاعر است و چون فرزند پسر ندارد از دنیا می رود. موقعی که از دنیا برود دیگه ما راحت می شویم. **نَّتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ** حالا که زورمان نمی رسد که این حکومتش را از بین ببریم، خودش که از دنیا برود، حکومتش از بین می رود؛ پس ما منتظر می مانیم، **مَّتَرَبَّصِّ** رحلت پیامبر اکرم و وفات پیامبر اکرم می شویم. از دنیا که برود نبوتش از بین می رود، حکومت و سلطنتش از بین میرود.

این فکر انحرافی و این تلقی دنیوی و ماده انگارانه نسبت به نبوت در میان دیگران هم بود؛ چه مشرکانی که بعدا مسلمان شدند و حتی خود صحابه و خود مسلمین یک چنین نگاهی داشتند. ابوسفیان را تاریخ نقل می کند. از ابولهب نقل می کند. از مشرکانی که ایمان آورده اند نقل می کند.

مثلا یک روز به ابولهب گفتند که از اینکه با عمومی خودت می جنگی و داری با او مخالفت میکنی نمی ترسی؟

گفت از چه چیزی بترسم؟ گفتند از این بترسی که او پادشاه بشود، حاکم عراق و مکه بشود.

گفت: نه، ترسی ندارم. اگر من پیروز شدم که خوب من پیروز شدم. اگر پیامبر اکرم پیروز شد خوب من عمومی او هستم، من هم در حکومت او به یک نان و نوایی می رسم. من هم به یک جایی می رسم، چیزی را از دست نمی دهم.

سال نهم هجرت را سال عام الوفود نامیده اند. هیئت های نمایندگی از قبایل مختلف می آمدند مدینه و با پیامبر بزرگوار اسلام بیعت می کردند. یک سری از این قبائل که می آمدند مدینه شرط می گذاشتند برای ایمان آوردن شان. به پیامبر اکرم عرض می کردند که ما به این شرط به تو ایمان می آوریم که بعد از تو ما پادشاه باشیم. بعد از تو ما حاکم باشیم. یک چنین نگاهی به نبوت داشتند. قرآن کریم می فرماید که این ها، این نگاهشان غلط است نبوت تو پایدار می ماند. راه تو و مسیر تو و سنت تو و قرآن تو و دین تو پایدار می ماند.

این دشمنان تو هستند که اتر می مانند. یعنی هم خودشان و هم راه شان، هم مسیرشان، هم دین شان، هم سنتهای اجتماعی شان، همه، از بین می رود. پس در واقع این سوره ناظر است به پایداری و جاودانگی پیامبر اکرم و اتر بودن دشمنان پیامبر اکرم صرفاً به لحاظ فرزند ذکور داشتن یا نسل داشتن یا نداشتن نیست، مسئله این هست که ما باید به تو چیزی بدهیم که دین تو پایدار بماند، نبوت تو پایدار بماند، و این کار صورت می گیرد و دشمنان تو اتر می مانند؛ یعنی هم خودشان و نسلشان از روی زمین برداشته می شود و هم دین شان و افکارشان، و اهداف شان اتر می ماند.

البته تداوم نبوت تو و تداوم بعثت تو تلازم دارد با اینکه ما به تو ذریه بدهیم، و به تو ذریه هم می دهیم. بنابراین اگر می خواهیم بگوییم که مراد از کوثر ذریه پیامبر بزرگوار اسلام هست، یا وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها هست، از این جهت که اینها تلازم دارند با در واقع جاودانگی نبوت و بعثت پیامبر بزرگوار اسلام.

براساس این نکات گفتیم که مراد از کوثر، ذریه وجود مقدس پیامبر اکرم هست یا حضرت زهرا سلام الله علیها هست؛ نه به این جهت که ما به تو یک فرزندی دادیم که عصمت دارد. یعنی اگر بگوییم مصداق کوثر، فاطمه زهرا سلام الله علیها هست، نه از این جهت که معصوم هست. چون خداوند متعال حضرت مریم را معصوم قرار داد. او هم عصمت داشت. در حالی که او مصداق کوثر نیست. نه به این جهت که ما ذریه ای که به تو دادیم که ذریه آن، ذریه معصوم هستند. امام و معصوم هستند. یعنی یک ذریه کثیری به تو دادیم که دست کم ده نفر از آنها معصوم هستند، یازده نفر از آنها معصوم هستند. خوب این برای حضرت ابراهیم هم هست. حضرت اسماعیل

فرزند ابراهیم است حضرت اسحاق هم فرزندشان هست. فرزندان حضرت اسماعیل همه پیامبر بودند؛ یعنی نسل پیامبر الان از طرف حضرت اسماعیل ادامه پیدا کرد و به پیامبر بزرگوار اسلام منتهی شد.

اگر صرفاً مراد از کوثر ذُرَّیَّه ی معصوم باشد، این موضوع در واقع حضرت ابراهیم علیه السلام را هم باید شامل شود. همچنان که اینطور نیست. اگر مراد این هست که دشمنان تو را نابود میکنیم خوب دشمنان حضرت نوح هم نابود شدند، دشمنان حضرت نوح هم ابتر ماندند نسل شان از روی زمین برداشته شد.

اگر بگوییم مراد از کوثر وجود مقدس حضرت زهرا و یا ذُرَّیَّه حضرت زهرا ائمه علیهم السلام هست. از این جهت که اینها خودشان بخشی از دین هستند، بخشی از بعثت هستند، بخشی از نبوت هستند، یعنی نبوت و بعثت بر دوش آنها هست. ما کوثر به تو دادیم یعنی چیزی به تو دادیم که نبوت تو را حمل بکند و نبوت و دین و کتاب آسمانی تو را پایدار بدارد.

این نکته ایست که در آیات متعدّد دیگری هم قرآن کریم برایش اشاره دارد یکی از آن آیات، آیات ۸۹ سوره انعام هست:

أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ

و ان یکفر بها هولاء: اگر همه قومت به قرآن و به دینت و به نبوتت کفر بورزد و فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین. ما یک قومی را وکیل دین تو و بعثت تو و قرآن تو قرار می دهیم که هرگز در طول عمرشان کفر نداشته اند. و مراد از این قوم، ذُرَّیَّه وجود مقدس پیامبر اکرم هست. در روایات داریم ما آن قومی هستیم که وکیل قرآن شدیم؛ یعنی صیانت از قرآن، حفاظت از قرآن، وکالت بر قرآن کریم بر عهده ما هست.

هر چند ائمه اطهار نسبت به پیامبر اکرم اُمّت محسوب میشوند؛ اما نسبت به غیر پیامبر اکرم صاحب دین هستند. بخشی از دین اند. رسالت بر عهده آنها هست. اگر ما آنطوری که عرض کردم بر این آیات دقّت و تاملات را داشته باشیم با تکیه بر آیات دیگر این نکاتی است که از این سوره به دست می آید.

اما به نظر بنده مراد از کوثر یک چیزی فراتر از این است. این کوثر یک حقیقتی است که یکی از مصادیق کوثر، ذُرَّیَّه وجود مقدس پیامبر اکرم است یکی از مصادیق کوثر وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها هستش.

کوثر یک حقیقت جاری است. یک حقیقتی است فراتر از اینها. یک حقیقتی است که در موطن های مختلف مصداق دارد. جریان دارد، هم در دنیا و هم در پیش از دنیا و هم در روز قیامت. این حقیقت به نظر ما از روایات به دست می آید که در مرحله سوم است. حدود سی و چند روایت مرحوم مجلسی آورده درباره کوثر. یکی از محدثین و مفسرین هم درباره کوثر روایاتی را آورده اند. به نظر من مجموع آن روایات یک تعریف دیگری برای این تعریفی که از این سوره و از این حقیقت کوثر تا حالا بیان شده به دست می آید که انشاءالله در جلسه بعد این روایات را مرور میکنیم و به یک جمع بندی نهایی می رسیم. ان شاءالله.